



۴ مکمل برای بسته اقتصادی ۱۷بندی

این روزها که تورم مواد غذایی به اوج رسیده است و بازار ارز مسیر نگران کننده‌ای را در پیش گرفته، مدیریت اقتصادی و افکار عمومی همزمان اهمیت دارد. در حقیقت پس از اینکه در این هفت سال، تورم در سطح بالاتر از ۴۰درصد ماندگار شده بود، اکنون شاهد بالاترین نرخ تورم مواد غذایی در سال‌های اخیر هستیم که مشابه آن پس از حذف ارز ۴هزارو ۲۰۰ تومانی در سال ۱۴۰۱ تجربه شد. در حقیقت تورم اکنون در ملموس‌ترین بخش آن که مواد غذایی است خود را نشان داده، این در حالی است که تا همین اواخر همچنان ارز ترجیحی ۲۸هزارو ۵۰۰ تومان حداقل روی کاغذ برقرار بود و اکنون به تازگی قرار شده است از این نرخ نیز عبور شود.

در چنین شرایطی جامعه منتظر واکنش درخور سیاست‌گذاران است. البته همین جا باید درباره انتظارات غلط نیز هشدار داد. در سال‌های گذشته در موارد مشابه بعضاً تلاش می‌شد با اقدام‌های ظاهری و نمایشی، تصویری از تلاش برای رفع بحران نمایش داده شود. واضح است که اقدام‌های نمایدن حتی اگر با نیت درست هم انجام شود، اگر به نتیجه عینی در کاهش مشکلات اقتصادی منجر نشود، به تدریج جامعه را نسبت به حرف‌درمانی، وعده‌سرایی و اقدام‌های نمایشی نیز بی‌اعتنا خواهد کرد. بنابراین انتظار ما بی‌شک اقدام‌های نمایشی نیست، اما از سوی دیگر، اگر جامعه، سکوت یا بی‌تفاوتی و یا به عبارت دقیق‌تر و منصفانه‌تر عادی‌انگاری وضعیت را از ادبیات و رفتار مسئولان برداشت کند، نارضایتی و نگرانی بیشتری نسبت به شرایط خواهد داشت. ازاین‌رو چنان که بالاتر گفته شد، در چنین شرایطی برای گذر از موج تورمی پیش رو اقدام‌هایی هم در حوزه اقتصادی و هم در حوزه افکار عمومی باید صورت پذیرد.

روز گذشته سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر اقتصاد سعی کرد پاسخی به این دغدغه بدهد و ابتدا اظهار کرد این نخستین سخنرانی‌اش پس از التهاب در فضای اقتصادی است و اعلام کرد دولت به هیچ عنوان موضوع اقتصاد را رها نکرده و شبانه‌روز به مسائل و مشکلات می‌پردازد. وی سپس از طرح ۱۷بندی دولت برای مواجهه با مشکلات اقتصادی کشور خبر داد که در سه محور اصلی کنترل ارز و تورم، تولید و سرمایه‌گذاری و معیشت و اشتغال مردم تدوین شده است.

فارغ از محتوای این بسته، اذعان به سخت بودن شرایط و ضرورت تلاش برای برون‌رفت از آن، جای دلگرمی دارد. اینکه طرح ۱۷بندی نیز با نظر مشترک هر سه ضلع اصلی تیم اقتصادی دولت یعنی وزارت اقتصاد، سازمان برنامه و بانک مرکزی تدوین شده نیز به نوعی عبور از اختلاف‌ها و همگرا شدن اضلاع تیم اقتصادی دولت است. در این میان اگرچه جزئیات این طرح ۱۷بندی اعلام نشده است، اما سرفصل‌ها نیز امیدوارکننده است، به نظر می‌رسد برخی خلأها در زمینه اقدام‌های جدید دولت برای بهبود وضعیت اقتصادی وجود دارد که باید به آن توجه داشت:

۱- دست‌کم تا پیش از این، چندصدایی در تیم اقتصادی دولت واضح بود. ممکن است درحال حاضر بر سر طرحی با سرفصل‌های مشخص، وحدت نظر ایجاد شده باشد، اما در اجرا ممکن است تفاوت دیدگاه‌ها اثر مخرب بگذارد. به نظر ضرورت دارد رئیس‌جمهور یا با تغییر در تیم اقتصادی و یا معاون اول خود و یا با اعلام صریح اینکه چه فردی محور و فرمانده تیم است، از اختلاف‌نظرهای آینده جلوگیری کند.

۲- اگرچه لزوماً تغییر وزیران و مسئولان به‌ویژه در جایی که مشکلات جنبه ساختاری و پیچیده دارد ممکن است به نتیجه نرسد، ولی ارزیابی عملکرد مسئولان به‌ویژه تیم اقتصادی و وزیرانی که در حوزه‌های مرتبط با اقتصاد نظیر جهاد کشاورزی، صمت، نفت، نیرو، رفاه و... فعالیت می‌کنند، ضروری است و اگر نیاز به تغییر وزیر نیست، تغییر در رویکردها و اصلاح مدیریت‌های داخل وزارتخانه‌ها ممکن است ضروری باشد.

۳- اگرچه در بسیاری از مسائل، اقدام‌های اصلاحی به‌تدریج اثر خود را خواهد گذاشت، اما باید نشانه‌هایی از اصلاحات اقتصادی دیده شود. به عنوان مثال تصمیم جدید در حوزه بنزین که تصمیمی خوب بود و با مدیریت قابل قبولی نیز اجرایی شد و یا موضوع پیگیری انرژی‌های نو توسط شخص رئیس‌جمهور از اقدام‌هایی است که افق امیدوارکننده برای اقدام‌های اصلاحی را نشان می‌دهد. این موارد باید در برخی حوزه‌ها به‌ویژه معیشت و ازجمله در موضوع کالابری نیز دنبال شود.

۴- مجلس شأن نظارتی و مطالبه‌گری خود را بدون تخریب و جنجال و سنگ‌های بزرگی نظیر استیضاح چند وزیر پیگیری کند. به‌ویژه در مواجهه با تعدادی از نمایندگان که رویکرد سیاسی و تخریبی در موضوعات مهم ملی در نظر گرفته‌اند، ضروری است عموم نمایندگان، مرزبندی خود با خط تخریب را شفاف کنند و مطالبه و اقدام‌های نظارتی خود را در شکلی غیرتخریبی انجام دهند.

خبر

فرار میلیاردی ارزهای صادراتی چگونه اتفاق می‌افتد؟

بررسی‌ها نشان می‌دهد کاهش نرخ بازگشت ارز حاصل از صادرات، بار دیگر به یکی از چالش‌های اصلی بازار ارز ایران تبدیل شده است؛ چالشی که هم توان سیاست‌گذار برای مدیریت نوسان‌های ارزی را تضعیف و هم تأمین ارز موردنیاز واردات را با اختلال مواجه کرده است.

تازه‌ترین آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد از ابتدای سال ۱۴۰۳ تاکنون، بیش از ۲۷میلیارد دلار ارز صادراتی به چرخه رسمی اقتصاد باز نگشته است؛ رقمی معادل درآمدهای نفتی کشور در یک سال.

به میان این آمار نگران‌کننده، تمرکز بخش قابل توجهی از عدم ایفای تعهدات ارزی در تعداد محدودی کارت بازرگانی، توجه کارشناسان را به نقش سیاست‌های ارزی در شکل‌گیری مسیرهای فرار جلب کرده است.

علیرضا گچ‌پزاده، معاون ارزی بانک مرکزی، به‌تازگی در جمع فعالان اقتصادی اعلام کرده است حدود ۹۰۰ کارت بازرگانی اجاره‌ای شناسایی شده که در مجموع ۱۵میلیارد دلار تعهد ارزی را ایفا نکرده‌اند.

به گفته او، تنها ۱۵ کارت بازرگانی به‌تنهایی حدود ۶میلیارد دلار تعهد ارزی بازنگردانده‌اند؛ کارت‌هایی که آدرس بسیاری از دارندگان آن‌ها در روستاهای دورافتاده یا مناطق مرزی ثبت شده است. این ارقام، بیش از آنکه از تخلف فردی حکایت داشته باشد، از وجود یک سازوکار معیوب در سیاست‌گذاری ارزی خبر می‌دهد که به شکل سیستماتیک، انگیزه‌های فعالان اقتصادی را به سمت دور زدن قانون سوق داده است. از ۲سال پیش بانک مرکزی پیگیر ساماندهی کارت‌های اجاره‌ای بود، تا اینکه ماه پیش وزارت صمت مدیریت صدور کارت‌های بازرگانی را عملیاتی کرد.

گزارشی از تورم اقلام سفره یلداورکود ناشی از کاهش قدرت خرید مردم

یلدای همدلی زیرضرب گرانی



جایگزینی تخمه آفتابگردان با تنقلات ارزان‌قیمت‌تر، راهبرد جدید خانوارها برای حفظ حداقلی آیین شب یلداست
هرچند همین اقلام هم نسبت به سال گذشته تورمی دورقمی را تجربه کرده‌اند

شده‌اند. این بدان معنی است که هرچند کمبودی در عرضه نیست، اما «تقاضای مؤثر» هم از بازار رخت بر بسته است و شهروندانی که تا دیروز دغدغه‌شان کیفیت آجیل شب یلدا بود، به چشم خود می‌بینند و با تمام وجود لمس می‌کنند که آیین ایرانی یلدا امسال بیش از سال‌های گذشته، قربانی تورم و نبود قدرت خرید شده است.

در شرایطی که طی این سال‌ها پای چندین و چند عامل از جمله تحریم، نوسان‌های ارزی، هزینه حمل‌ونقل، افزایش قیمت تمام‌شده و سودجویی دلالان به عنوان عوامل اصلی گرانی، وسط کشیده می‌شود، در بازار یلدای امسال نه فقط گروه‌های کم‌برخوردار؛ بلکه بخش وسیعی از قشر متوسط جامعه ایرانی به طور مشخص توان خرید آجیل را ندارند و به جای خرید کیلویی به خرید «گرمی» یا حذف کامل آجیل روی آورده‌اند.

امسال حتی جایگزینی تخمه آفتابگردان یا تنقلات ارزان‌قیمت‌تر، راهبرد جدید خانوارها برای حفظ حداقلی آیین شب یلداست؛ هرچند همین اقلام هم نسبت به سال گذشته تورمی دورقمی را تجربه کرده‌اند.

در سوی دیگر این ماجرا، اصناف و بازاریان ایستاده‌اند و شاید تصور عموم بر این باشد که گرانی به نفع فروشندگان است، اما واقعیت بازار چیز دیگری می‌گوید. کاسبانی که چشم‌انتظار بازار شب یلدا بودند تا چک‌های خود را پاس کنند، با مشتریانی مواجه‌اند که تنها قیمت می‌پرسند و عبور می‌کنند و کاهش شدید قدرت خرید مردم، رکود مطلق بر کسب و کار بازاریان حاکم کرده است.

در بازار یلدای امسال بسیاری از میوه‌فروشان، قنادی‌ها و خشکبارفروشان از کاهش شدید

تبدیل می‌کنند.

در حال حاضر برای شب یلدا هر کیلو آجیل شور ۸۲۰ هزار تومان، آجیل شیرین همراه با باسلوق ۶۶۶ هزار تومان و آجیل شیرین بدون باسلوق ۷۵۲ هزار تومان، قیمت‌گذاری شده و اتحادیه آجیل و خشکیار هم حداکثر قیمت آجیل شب یلدای امسال را (بدون نخودچی و بادام زمینی) یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان اعلام کرده است.

امسال هر کیلو آجیل شامل پسته برشته، بادام محب شور، فندق شور و بادام هندی برشته یک میلیون و ۴۰۰ هزار تا یک میلیون و ۶۰۲ هزار تومان به فروش می‌رسد و به تفکیک هر کیلو بادام هندی حدود یک میلیون و ۹۰۴ هزار تومان، مغز گردو ۶۹۸ هزار تومان، تخمه کدو شور ۷۷۵ هزار تومان و پسته اکبری شور یک میلیون و ۷۷۵ هزارتومان به فروش می‌رسد. همچنین آجیل پنج مغز خام ۲ میلیون و ۳۳۲ هزار، آجیل چهار مغز خام ۴ میلیون و ۵۸۵ هزار و آجیل یلدا یک میلیون و ۴۷۵ هزارتومان قیمت‌گذاری شده است. بنا بر گزارش‌ها این قیمت‌ها در حالی امسال بازار یلدا را به یخ‌زدگی زمستانی پیوند زده که سال گذشته هر کیلو آجیل حدود ۷۰۰ هزارتومان تعیین شده بود. گفتنی است در بازار میوه یلدایی هم براساس مشاهده‌ها، انار و هندوانه ۱۷۰ و ۲۰۰ هزار تومانی، نمونه‌هایی واضح و روشن از تورم شدید خوراکی‌ها هستند.

■ یلدایی با چاشنی بی‌پولی مردم و دل‌سردی کسبه
شاید بهترین توصیف برای سیمای بازار شب یلدای امسال این باشد که هم بسیاری از مردم خرید آجیل را اولویت نمی‌بینند و هم فروشندگان به دلیل نبود تقاضا و مشتری واقعی دل‌سرد

سفارش‌ها گلایه دارند و معتقدند میوه‌هایی که روی دستشان می‌ماند، آجیلی که در انبارها کهنه می‌شود و شیرینی‌هایی که خشک و فاسد می‌شوند، نشان‌دهنده رکود و بن‌بست در کسب و کارشان است.

به عقیده کاسبان بازار، وقتی چرخ اقتصاد خرد نچرخد، تولیدکننده و توزیع‌کننده هم متضرر می‌شوند و این گرانی بی‌قید و بی‌حد، سودی برای اکثریت فعالان بازار ندارد و تنها چرخه رکود را تکمیل می‌کند. از نگاه کسبه، بازار شب یلدا که زمانی یکی از پررونق‌ترین ایام سال بود، امسال به توقف و انتظاری مبتلا شده که فعلاً هیچ افق روشنی برای آن دیده نمی‌شود.

■ یلدا جایی در معیشت حداقلی‌بگیران ندارد

نگاهی کلی به بازار تقاضا و شیوه مصرف بسیاری از شهروندان در مایحتاج یلدایی امسال نشان می‌دهد، جامعه ایرانی فقط یک تغییر ذائقه معمولی تجربه نمی‌کند؛ بلکه سیگنالی از کاهش استانداردهای رفاهی معیشت به مسئولان ارسال می‌کند؛ چراکه براساس برخی محاسبات، پهن کردن یک سفره یلدای استاندارد (به همراه شام سنتی) امسال، معادل حدود ۴۰درصد از حداقل حقوق یک ماه کارگران را یکجا می‌بلعد!

در شرایطی که مشاهده‌های میدانی حکایت از آن دارند سفره ایرانی در سال جاری، بیش از هر زمان دیگری محدود و مختصر شده است، آمار رسمی هم این افول تاریخی را تأیید می‌کنند و در این میان، وضعیت کارگران و بازنشستگان از همه دشوارتر است.

وجود تورم بالای ۴۵درصد در حالی از سوی مراجع رسمی تأیید می‌شود که هر زینه سبد معیشت کارگران (۳/۳ نفر) در حال حاضر به‌ویژه در کلانشهرها ۳۳ تا ۵۵ میلیون تومان برآورد شده و در نگاه خوشبینانه‌تر برآوردهای رسمی کمیته مزد و مرکز آمار گویای این است که هر زینه سبد معیشت حداقلی خانوار کارگری حدود ۲۴میلیون تومان در ماه است و حقوق کارگر فقط ۴۴درصد از این رقم را پوشش می‌دهد و لازم به یادآوری است که خانوارهای حقوق‌بگیر دولت هم وضعیتی مشابه جامعه کارگری دارند.

خالی از لطف نیست اگر در این میان به گزارش جدید سیاستی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که در کمتر از دو هفته گذشته، منتشر شده است هم اشاره کنیم، بر اساس این گزارش خوراک روزانه هر ایرانی زیر فشار تورم با کاهشی ۳۰درصدی به سطحی پایین‌تر از نیاز اولیه بدن کاهش یافته و سرانه کالری دریافتی هر فرد از حدود ۲هزارو ۶۰۰ کالری در سال ۱۳۸۵ به تنها هزارو ۸۰۰ کالری در سال ۱۴۰۳ رسیده و این یعنی میانگین انرژی دریافتی روزانه مردم اکنون حدود ۴۰۰ کالری کمتر از حداقل نیاز بدن یعنی ۲هزارو ۲۰۰ کالری است. واقعیت این است در حال حاضر و از آنجایی که هیچ تردیدی در وجود فاصله کهنکشانی میان تورم و رقم حداقلی دستمزد در کشور وجود ندارد، اولویت‌بندی هزینه‌ها از سوی خانوار ایرانی به شکلی اعمال می‌شود که خرید نان، تخم‌مرغ و پنیر در اولویت باشد و یلدا، به‌عنوان یک هزینه سربار، حذف می‌شود.

کوتاه سخن اینکه در آستانه شروع زمستان ۱۴۰۴ و در حالی که هزینه‌های مسکن، خوراک، درمان و آموزش سهم عمده‌ای از درآمد ماهانه شهروندان را می‌بلعد، خرید آجیل چند صد هزار تومانی یا میوه‌های لوکس، واصله‌ای ناچور برای معیشت بسیاری از شهروندان است و در شرایطی که امروز حداقل حقوق و دستمزد حتی با نرخ رسمی تورم همخوانی ندارد و در برابر تورم واقعی بازار کاملاً رنگ می‌بازد، برای بازنشسته‌ای که حقوقش شاید کفاف اجاره‌خانه و داروپیش را هم نمی‌دهد، حتی صحبت از خرید هندوانه و انار و تدارک شام شب یلدا، حکم پاشیدن نمک بر زخم دارد.

چله به رسم دنگی‌دونگی؛ وقتی معناجلوتر از مصرف می‌ایستد

سالی است هزینه‌ها را میان خودشان تقسیم می‌کنند. خریدها را دنگی‌دونگی کرده و همه سعی می‌کنند کاری کنند که شب یلدا، بار مالی بر دوش یک نفر نباشد و نیت پشت این کار است که اهمیت دارد.

بعضی‌ها هم برای دور زدن غیرت پدري که دست کمک را نمی‌پذیرد راه‌های دیگری پیدا کرده‌اند، از «قابلمه پارتی» گرفته تا برگزاری مسابقه خانوادگی برای تعیین بهترین دستپخت! پوششی محترمانه برای سبک کردن فشارهزینه‌ها، بی‌آنکه لازم باشد چیزی گفته شود. شب چله در این سال‌ها تبدیل به میدان تمرین یک مهارت جمعی شده است؛ مهارت کنار آمدن با نداشتن‌ها، از طریق تعدیل تقاضا، توزیع هزینه و بازتعریف نقش‌ها در خانواده. در این الگو، حفظ آیین نه با افزایش خرج، بلکه با تغییر رفتار ممکن شده است.

مردم یاد گرفته‌اند خواسته‌ها را کم کنند و به محترمانه‌ترین شکل فشار را از روی دوش یک نفر بردارند. این یک تغییر رفتاری است. تغییری که در آن، معنا جلوتر از مصرف می‌ایستد و مشارکت، جای نمایش را می‌گیرد. یلدای امروز نه فقیرانه‌تر است و نه کم‌رنج‌تر؛ بلکه انسانی‌تر و مبتنی بر فهم دقیق‌تری از واقعیت زندگی شکل گرفته است.



زهرا طوسی | جامعه‌شناسان معتقدند

آیین‌های جمعی، در زمانه‌های فشار، با آرام‌آرام از زندگی حذف می‌شوند یا خود را با شرایط تازه وفق می‌دهند. شب یلدا در ایران، سال‌هاست راه دوم را انتخاب کرده، مانده، اما با صورتی متفاوت و منطقی‌تر.